

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یادداشت:

ضمن ابراز امتنان به خاطر مطلب ارزشمندی که برای ما ارسال داشته اید، تشریف آوری تان را به پورتال "افغانستان آزاد- آزاد افغانستان" خیرمقدم گفته، امیدواریم برای همیشه بتوانید با ارسال مطالب انتباهی و آموزنده به غنای صفحات پورتال بیفزائید.

شاد و موفق باشید

اداره پورتال AA-AA

درویش کابلی – از ورجینیا امریکا

۱۱/۰۲/۲۷

هفت دلگی مشر

طنز

یادم از کشته خویشت آمد و هنگام درو

قبل از اینکه سرزمین مقدس ما دستخوش این همه بی سروسامانی ها و پریشان حالی ها شود و مردم بیچاره و غم دیده مان گرفتار این بدبختی و ناآرامی قرار گیرند.

ماهم مملکتی داشتیم که در آن زندگی عادی و نورمالی جریان داشت، قانونی داشتیم و مقررات و نظمی در همه امور بر قرار بود.

پسران جوان که به سن ۲۲ سالگی می رسیدند مکلفیت داشتند تا مدت دوسال خدمت زیر بیرق را بگذرانند و شامل دوره عسکری و سربازی گردند.

گویند جوانی از یکی از قریه های دور دست که اسمش به قرعه عسکری ظاهر شده بود و به اساس تقسیمات به یکی از قطعات مرکز شامل خدمت گردید.

بعد از گذشتادن دوره منفورده یعنی شش ماه اول، او خیلی چیز ها را آموخت و هم به استفاده از کورسهای اکابر "سواد آموزی" تا اندازه سواد آموخت و میتوانست چیزی بنویسد و بخواند.

زمانیکه یک سالش پوره شد و به اصطلاح کهنگی شد چون جوان باهوش و تیز فهم بوده و قد بلند و اندام قوی داشت او رابه حیث دلگی مشرتعیین کردند. دلگی مشر آمر ده نفر از افراد داخل تولی بوده و آنها را رهنمائی وکنترول می نمود . موصوف از کسب این منصب خیلی خوش بود وبه خود می بالید.

روزی برای مادر خود خطی چنین نوشت:

مادر جان! بعد از سلام و احترام اگر جویای احوالات صحتمندی اینجانب باشید الی تحریر هذا به فضل خداوند به کلی خوب هستم خاطرت جمع باشد . بوبو جان حالا دیگر بلایم پریده. بعد از اینکه یک سال دوره عسکریم گذشت وکهنگی شدم مرا شکر دلگی مشر مقرر کردند و ده نفر زیر دست دارم و آمر هر ده شان هستم. میتوانم به آنها کمک کنم، صلاحیت دارم آنها را از پهره معاف کنم، میتوانم آنها را جزا بدهم وحبس شان کنم . سخت زیر تاثیر احساسات آمده ومی نویسد:

مادر جان! حتی اختیار دارم آنها را بگشتم وتار و مارو نابودشان کنم .

بعد از چند روزی جواب خطی از طرف مادرش که توسط ملای مسجد شان نوشته شده بود، رسید.

بچه عزیز و نور دیده هایم ! الهی شکر که جو رو آرام هستی از اینکه به خیررتبه ات بلند شده و دلگیمش مقرر شدی ونام خدا ده نفر زیر دست داری خداوند را شکر می کنم، بلندی درجه و سر بلندی را همیشه آرزو می کنم، کاش پدرت زنده می بود تا ازین خبر خوش می شد. اما جان مادر یک خواهش دارم، امروز که خداوند ترا قدرت داده و آمر مقرر شدی اگر زیر دست هایت را کمک می کنی ویا به آنها جزا میدهی کارخودت است. تو بهتر می دانی. اما خواهش مادرت این است که هوش کن کسی را نکشی وتارو مار نکنی که آنها هم مانند تو جوان هستند و مسافر می باشند. کشتن و نابود کردن کس صلاحیت خداوندیست.

آروزگاران هر مقام ومنصب چه خورد بود و یا بزرگ بود برای خود حد و حدود صلاحیت و مسؤولیتی داشت . با وجود نارسائی های اجتماعی واقتصادی و هزارها مشکل دیگر باز هم نظم و دسیلین در اجتماع برقرار بود.

سؤال اینجاست که حدود صلاحیت ومسؤولیت دلگی مشران موجوده ما تا کجاست ؟

گویند خداوند(ج) همچنانکه هفت آسمان و هفت طبقه زمین را به قدرت خلاقه خویش هست نمودند هفت دلگی مشر را نیز برای اذیت وزجر این ملت بیچاره خلق کردند. اینها همچون عجایب هفتگانه جهان هستند و دارای صفات و خواص اضافی از آدم های عادی میباشند، تمام انسانها را خداوند دارای خواص پنج گانه هست نموده اما این دلگی مشران را هفت خواص نصیب گردانیده است تا به استفاده از آن میوانند با مگر و حیل و نیرنگ مقام ومنصب ودارائی خود را حفظ و از دیگران را غصب نمایند.

این هفت داداران به هفت دانه اسپند پاک سوگند یاد نموده اند تا هفت ... سیاه هنگ نزنند وتا این ملت را به هفت قاضی کور آشنا نکنند دست بردار نیستند وآرام شان نمی آید. مانند هفت دانه شطرنج که هرگز از بین نمیروند ودر هر دور و میدان جدید حضور فعال دارند، منتها با تغییر موقعیت، نه تقاعد دارند ونه استعفاء می کنند ودارای هفت دم هستند که هنوز بعضی شان در دم سوم قرار دارند وبعضاً در دم چهارم، وهمیشه روی تخته تخت نر دور فیل می گردند .

آورده اند هر کس این هفت تن پاک را بشناسد آتش هفت طبقه دوزخ به رویش حرام می گردد و خداوند هفت چند بار گناهان شان را می بخشد و هفت دروازه بهشت به روی شان باز می گردد.

خداوند این سعادت را نصیب همه ما وشما بگرداند.